

مسایر را بر جانند و دیگر را بر دارهای آتشین کشیده باشند و ایشان نمازخانه و مسجدی نامند
گفته اند که آن باشند که در زمان از پیش سلطان ظالم و عوانان در آنجا نمانند
دیگری گفته شده باشند چون مردار ایشان کسی باشند که گشتهای دنیا را از حرام
گرفته باشند و حق ضایع از مال خود داده باشند و دیگری را جامه ای بزرگ و قطعه
آتش باشند و ایشان مسکون باشند و گفته اند که آن بال و جاده دنیا و کرده
دیگری بصورت فرکان باشند و ایشان حرام خوانند باشند و گفته اند که
این بر بختان و عاصیان باشند فاما مؤمنان و صالحان بصورت ماه شب چهارده
باشند بعضی بصورت آفتاب بعضی بصورت پستارگان و **فَوَجَّهتِ السَّمَاوَاتِ**
فَكَانَتْ أَبْوَابًا و گفته شود آسمان پس باشد در باین معنی آسمان پاره پاره شده
و ذره ذره گردد و آنکه با چیز شود و قیل که در کرمای آسمان تا فرشتگان
فرود آیند تا هم عاصم و حمیر و یک شی فحمت تخمیف خوانند و باقی قرآنیست
بشاید خوانند **اندر سوره الباقال** **فَكَانَتْ سَمَاءًا** و راجع شود که سماء از روی
زمین پس چون غایب است بنویسند یعنی آنچه نشود سر آب آنچه در نیم روز نماید در
بیابان باشد آب کسب هر چیز باشد چون این چنین شود و عقوبت و در پنج پیش آید
ادَجَّهتِ مَكَانَتِ مِهَادًا بدسته که در پنج باشد راه که در خلق بر گزیده است

رود بر هر اطراف بگذرد و هر گاه بی باشد بالای و پنج از امام حسن بصیری میخوانند علیه
روایت کرده شده است که هر گاه ستم را رساله است از موی بار بکند و از شیر
تیز تر از رساله بر آید بی باشد و هزار ساله همان و هزار ساله فرود آید بی باشد و با یک
برگناه کاران و فواج و پس باشد بر مؤمنان خدای ترس و بعضی رود بگذرد و همچون برق
و بعضی هفت هزار ساله بگوید که بگذرد مقدار دنیا و کانون تقوا اندک شستن در و پنج
افتد و هر مؤمنی را توری باشد بعضی را بر چند نظر کنند و بعضی را تا بر قدم نقل کرده
این سخن را از رساله خواهد بود با بسیاری بخاری رحمة الله علیه که بر او طریقت مابود و نیت
اصحاب مابود و بقول دیگر مرصاد کین که هست **لِلطَّغَايِنِ مَمَّا بَا بَدَرَسِي** که باشد و پنج
مرطبه غیاب یعنی هر کافر از جای بازگشت و جای باشش که همیشه در وی باشند **لَا يَتَّبِعُونَ**
فِيهَا الْحَقَّ بآ باشند کانون در و پنج روز کارهای در از بن نهایت گذار و انکشاف
و انکشاف و لیس المراد عدد و محصور الحقب روز کار و از صفت هشتاد سال مراد است اینجا
لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا چشند در آن و در پنج و یا در آن روز کار در آن
چون کسی از هیچ چیزی آتش میدانی یعنی از هیچ چیز لذتی نباشد ایشان را از شکر و شام میدانی و قیل
بروای نو باین معنی هیچ آتش خواب و فرود بی باشد شانی البرد فکل و قیل خواب
الْأَحْمِيقَاتِ و **عَسَاقًا** و لیکن تاب کرم کرم بر آید و در زمین را بخورد و بپاشند

بی بیست و سه

الشراب کتابیست